

میزنه رو دماغم و میگه

- نمیخوای بری بیرون؟

سریع از رو تخت بلند میشمو میگم

- چرا چرا توهم زودباش

میخنده و میگه

- امر دیگه

- فعلا که هیچی

و یه چشمک میزنمو بیرون میرم..

....لم میدم رو مبل و ۵ دقه میگذره هنوز بیرون نیومده اونوقتم میگه من دیر آماده میشم..

صدای در اتاق که میاد مته فنر از جام میپرم

- چه عجب

دستمو میگیرع و میگه

- برو که دیر شد

-ارمین

- جونم

- اونجا من دختر عموتم یا ..

دستمو میگیره و میگه

- دوس داری چی باشی

- اخه نمیخوام هنوز که به کسی چیزی نگفتیم شایعه در بیارن

یه نفس عمیق میکشه و میگه  
- این کار منم شدع قوز بالا قوز  
....یکم که میگذره باز من میبرسم  
- ارمین جدی جدی تو بچه نمیخوای؟!  
یه پوف کلافه میکشه و میگه  
- دیگه هیچ وقت این بحثو پیش نکش  
- اخه میترسم نمیخوام پشیمون شی  
- اوکی بزار یچی بهت بگم اون روز که بهت گفتم از بچه برام مهمتری خودمم شک  
داشتم مطمئن نبود ولی تو این مدت فهمیدم نباشی نیستم میخوامت بخدا  
نفس تو سینم حبس میشه و حرفی ندارم که دستمو میگیره و اروم پشت دستمو  
میبوسه..  
ماشینو یه جا نگه میداره و میگه  
- رسیدیم  
و من نگاهمو میدوزم به قصر رو به روم ...  
دستمو دور دستش حلقه میکنم و قدم به قدم باهم راه میریم..  
هیچ کس انگار تو این مهمونی حواسش نیست کی میره و میاد همه سرشون تو کار  
خودشونه ..  
- چرا هیچکی خوش امد نگفت  
با لبولوچه اویزون اینو میگم که یه صدا از پشت سرم بلند میشه  
- خوش اومدید  
برمیگرم که نگام می افته به یه پسر جذاب و هیکلی ...

با ارمین دست میده و احوال پرسى میکنه ..

- خانومو معرفی نمیکنی

- روشنا دختر عموم .... امیر شریکم

من سرمو تکون میدمو و زیر لب خوشبختمی زمزمه میکنم ..

ولی اون دستشو جلو میارع میگه

- منم خوشبختم بانو

ابرومو بالا میندازمو نگامو میدوزم به دستش... که باعث میشه با یه لبخند دستشو

عقب بکشه .. دستشو میزاره رو شونه ارمینو میگه

- من برم که دختر عموت بدضد حال زد

و بدون اینکه بزاره حرفی بزنی دور میشه ...

همین که میره دست ارمین حلقه میشه دور کمرم و سرمو میبوسه ...

- عاشق کارت شدم

در کمال بیرحمی میگم

- بخاطر تو اینکارو نکردم فقط خوشم نیاد با مردایی که تازه دیدم دست بدم

و پشت بندش یه لبخند حرص درار میزنم که قیافش مچاله میشه و میگه

- بیشعور

لبمو میگزیم تا جلوی قهقهه‌مو بگیرم .

اونم دستشو با حرص عقب میکشه و مشروبشو یه کم زمزمه میکنه

- خیلی نخوریاا

با حرص کشیده میگه

